

روزنه

چراغ‌های رابطه تاریک است

ریاض ۸ماه است در تهران سفیر ندارد

شرق:رابطه دیپلماتیک تهران- ریاض مدت‌هاست که در حد اظهارنظر دیپلماتیک خلاصه شده است. اگرچه همه بر بهبود رابطه تاکید می‌کنند اما در همین حال تنش‌های بسیاری هم بر راه باریک رابطه آوار می‌شود؛ از تلاش برای کاهش قیمت نفت تا دعوت بی‌سرانجام و... و حالا نداشتن سفیر در تهران.
پیگیری‌های خبرنگار «شرق» نشان می‌دهد، از آن زمان که عربستان از وزیر خارجه ایران برای حضور در کنفرانس همکاری‌های اسلامی دعوت کرده بود، این کشور در تهران سفیر ندارد.
حدود هشت‌ماه پیش بوده که «عبدالرحمان بن‌غرمان‌الشهری»، آخرین سفیر عربستان در ایران، تهران را ترک کرده و تاکنون به محل مأموریت خود بازنگشته است. عمدتاً کمتر خبری از سفارت عربستان در تهران منتشر می‌شود و رویه این سفارت در تهران فعالیت در بی‌خبری است. حتی در یکی از آخرین درگیری‌های این سفارتخانه در تهران، یعنی ماجرای تصادف دیپلمات عربستانی با یک شهروند ایرانی نیز، سفیر یا کارکنان این سفارت، حاضر به گفت‌وگو با هیچ رسانه‌ای نشدند. از همین‌رو هیچ اظهارنظری در این مورد از آنها منتشر نشد.

سفیر ۲ماهه

«عبدالرحمن بن‌غرمان‌الشهری»، آخرین سفیر ریاض در تهران، اواخر بهمن سال۹۲ منصوب شد و در مراسمی استوارنامه خود را به محمد جواد ظریف، وزیرخارجه ایران تقدیم کرد. محمد جواد ظریف در این دیدار طبق روال معمول اظهارنظرهای دیپلماتیک به اهتمام دولت جدید در توسعه و گسترش روابط با همه کشورهای همسایه و مسلمان به‌ویژه عربستان‌سعودی، پرداخته بود.
سفیر جدید در آن‌زمان هم ابراز امیدواری کرد با عزم و اراده حکیمانه رهبران دوکشور، شاهد روابط خوب و متین بین دوکشور همسایه و مسلمان باشیم. او در دیدار با حسین امیرعبداللهیان، معاون عربی وزارت خارجه که فروردین ۹۳ انجام شد نیز گفته بود که «پادشاه ما نگاه مثبتی به روابط با ایران دارد». اما هیچ‌یک از این اظهارنظرهای دیپلماتیک و حتی نوکدرن سفیر نتوانست زخم دیرسال رابطه دوکشور قدرتمند منطقه را بهبود بخشد.

سفیر جدید، اردیبهشت‌ماه به دیدار اکبر هاشمی‌رفسنجانی رفته بود؛ فردی که برخی معتقدند می‌تواند میانجی‌سنتی بهبود رابطه دوکشور باشد، اگرچه در دوران ریاست‌جمهوریش یکی از برهه‌های سخت رابطه دوکشور رقم خورده است. تصاویری که از این دیدار منتشر شد، سفیر عربستان را در حالی نشان می‌داد که پیشانی هاشمی‌رفسنجانی را می‌بوسید. مضافه‌ای که دست‌کم به مذاق مقامات عربستان خوش نیامد. یک‌ماه‌هی بعد از این مصافحه بود که سفیر عربستان به ریاض فراخوانده شد و برخی مقامات آگاه علت فراخوانی سفیر را همین بوسه اعلام کردند. چه آنکه در همان زمان هشتک‌هایی (برچسب) در بین کاربران عربی توئیتر علیه این مصافحه آغاز شد. از آن‌زمان تاکنون ریاض در تهران سفیر ندارد و اگر داشته سفیر را ابتدایی‌ترین کام رایان مقصد سفر بدانیم، اکنون رابطه دوکشور در این سطح قرار دارد.

دیدارهایی که انجام نشد

جواد ظریف زمانی‌که سکان وزارت خارجه را به‌دست گرفت، از بهبود رابطه با کشورها به‌ویژه همسایگان سخن گفت. اگرچه در این بین مشغولیت مذاکرات هسته‌ای آنقدر بود که عمده وقت او در سفرهای مرتبط با مذاکرات هسته‌ای و دیدارهای مرتبط با آن گذشت. البته نمی‌توان نادیده گرفت که نتیجه مذاکرات هسته‌ای به‌نوعی روی رابطه ایران و کشورهای منطقه نیز تأثیرگذار بود. با این‌حال ظریف تلاش‌هایی برای بهبود رابطه با کشورهای منطقه نیز کرد، او عراق را به‌عنوان اولین مقصد سفر منطقه‌ای خود قرار داد و بعد سفری منطقه‌ای به امارات و کویت داشت که قرار بود عربستان هم در فهرست آن مقصدها باشد اما این سفر انجام نشد.

بعدها منابع آگاه به «شرق» گفتند که عربستان آماده پذیرش وزیر خارجه ایران نبود و حتی گفته شده که میزبان در مرخصی است. همه این بهانه‌ها موجب شد تحول دیپلماتیک برای بهبود روابط در آن مقطع رخ ندهد. همان‌طور که اردیبهشت هم جرقه‌ای زده شد اما به بار نشست. عربستان از وزیر خارجه ایران برای حضور در کنفرانس همکاری‌های اسلامی دعوت کرد اما ظریف به‌دلیل همزمانی کنفرانس با مذاکرات هسته‌ای که باید همزمان در وین برگزار می‌شد، اعلام کرد که نمی‌تواند به ریاض برود. البته سعودالفیصل، وزیر خارجه عربستان سعودی همان زمان گفته بود که «آماده استقبال و میزبانی از ظریف در هر زمانی است که وی آن را مناسب بداند.» همچنین «عربستان سعودی آماده گفت‌وگو با ایران است.» البته این دو در حاشیه مجمع عمومی سازمان‌ملل با یکدیگر دیداری داشتند و در نشست خبری بعد از آن هم حرف‌های مثبتی زدند. اما سعودالفیصل اندکی بعد در یک مصاحبه حرف‌های تندی علیه تهران زد که موجب شد دوباره رابطه دوکشور به کما برود.

فروشدگان رقیب

کاهش قیمت نفت گره‌ای بوده بر گره‌های پیشین. آن‌هم در رابطه دو کشوری که بخش عظیمی از بودجه‌شان به فروش نفت وابسته است.

ادامه در صفحه ۱۹

ادامه از صفحه ۶

کاولی وقتی این خط قرمزا

در سوریه توسط کشورهای

دیگر رد می‌شد، جمهوری اسلامی ایران آن را از

لحاظ دیپلماتیک محکوم می‌کرد، اما زمانی که کشتار

مردم توسط دولت دمشق انجام می‌شد، تهران

موضع‌گیری نمی‌کرد، این موضوعات شایبه حمایت

صرف تهران از دولت دمشق را دامن زد.

ما در موضوعی که داشتیم، اعلام کردیم یکی از خطوط‌قرمضان همواره این بوده که مردم سوریه آسیب نبینند و حتی در زمانی که ص‌ف‌بندی تروریست‌ها در مقابل سوریه شکل گرفت هم مستشاران نظامی ما هرمشورتی که می‌دادند، مبتنی‌بر این بود که مردم سوریه صدمه نبینند. به همین دلیل، گاهی برای انجام یک‌عملیات در یک روستا ممکن بود هفته‌ها انتظار بکشند تا مردم مناطق تخلیه شوند. بله، مردم اذیت شدند؛ آواره شدند، آن‌هم در شرایطی که تروریست‌ها داخل شهرها و خانه‌هایشان مسکن گزیده بودند. اما اینطور نیست که برای هرآنچه در سوریه رخ داده از ما مشورت گرفته باشند، بالاخره سوریه نظام سیاسی، رهبری، ارتش و سیستم امنیتی خاص خودش را دارد. ما تلاش کردیم در چارچوب خودمان عمل کنیم و هرکمی که به سوریه ارایه کردیم، با رعایت خطوط‌قرمز ما باشد.

م ماایلم این نکته را تاکید کنم که فراموش نکنیم

بحران در سوریه چگونه شروع شد. بحران در سوریه

از یک نماز جمعه و یک مسجد در شهر مرزی «درعا»

شروع شد. دونفر از مناره‌های مسجد، مردمی که در

حال نمازخواندن بودند را به رگبار بستند. در آن‌موقع

حکومت سوریه برای بحرانی که ایجاد شده بود

هیچ چیز جز اسلحه و حتی امکانات و آمادگی‌های

لازم برای یک‌شورش شهری را هم در اختیار نداشت.

در سوریه به واقع سعی کردند یک انقلاب تصنعی

ایجاد کنند اما این انقلاب از شهری مرزی شروع شد.

نه مثل مصر و جاهای دیگر از پایتخت.

سوال من در مورد این بود که دورنمای آینده

سوریه را چه می‌بینید؟

اکنون ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که با همه

طرف‌های ماجرا بیشتر به این ادبیات نزدیک شده‌ایم

که سوریه صرفاً راهکار سیاسی دارد. الان برخی از

غربی‌ها به مذاکره می‌گویند در مورد سوریه چه چار

خطاهای زیادی شده‌ایم، یکی از عوامل این خطاها

هم این بود که برخی کشورها در منطقه دایماً به ما

وعده می‌دادند که دوهفته یا یک‌ماه دیگر، بشار اسد

سرنگون می‌شود و الان نزدیک به چهارسال است

که این اتفاق نیفتاده. اوایل بحران سوریه سفری به

مصر داشتم. در کنار دیدارهای رسمی‌ام به دفتر کار

آقای «حسنین هیکل» ر‌فتم که همکار شمامست.

می‌شناسیدش؟

س‌بله، نویسنده و روزنامه‌کار مصری.

از او در مورد مسایل مختلف پرسیدم. از جمله

در بحث‌های آینده‌پژوهی راجع‌به آینده سوریه از

او پرسیدم. آن‌وقت شاید شش یا هفت‌ماه از مساله

سوریه می‌گذشت. او می‌گفت بشار اسد سرنگون

نمی‌شود، نمی‌توان با این روش‌های امنیتی و نظامی،

بشار اسد را سرنگون کرد. بعد، این نکته را اضافه کرد

که «من آنچه در مورد جهان عرب می‌گویم، مبتنی‌بر

فهم عربی می‌گویم نه با فهم ایرانی یا ترکی با فهم

غربی. من وضعیت جامعه‌شناختی در سوریه را

به‌فهمم و مبتنی‌بر این، چنین نظری دارم.» دوسال

بعد هم با او ملاقات کردم و تاکید می‌کرد به فهم

عربی من از سوریه آیین آوری‌د؟

س‌براساس فهم ایرانی شما، آینده سوریه چه

خواهد بود؟

ما معتقدیم واقعا مساله سوریه به مرحله‌ای

رسیده که تحقق یک‌راهکار سیاسی در این کشور

ضروری است. به همین دلیل، از حدود یک‌سال پیش،

آقای دکترظریف طرح چهارمادهای جمهوری‌اسلامی

ایران برای حل سیاسی مساله سوریه را ارائه کردند.

اگر امروز می‌بینید که ما با آقای دمیستورا، نماینده

سازمان‌ملل راجع‌به سوریه صحبت می‌کنیم، در

چارچوب طرح ایران صحبت می‌کنیم.

س‌یعنی الان طرح سیاسی تهران و مسکو با هم

به‌طور هم‌عرض در حال پیگیری است؟

اگر می‌بینید راجع به راه‌حل سیاسی با مسکو

صحبت می‌کنیم در چارچوب طرح سیاسی ایران

است که از نظر ما تئوری برای آینده سوریه است.

یک طرح کاملاً دموکراتیک و موردقبول است که

داریم دنبال می‌کنیم. بخشی از طرح ما، نفت‌وگویی

ملی است. درواقع چیزی که امروز، مسکو دنبال

می‌کند، بند دو طرح سیاسی ایران است. ما با روس‌ها

راجع به ضرورت گفت‌وگوی ملی در سوریه به

توافق رسیده‌ایم. شاید اولین دور گفت‌وگوی ملی را

دوسال‌و‌نیم، یا سه‌سال پیش، در ایران برگزار کردیم.

همان موقع که همه از جنگ صحبت می‌کردند ایران

در عمل از گفت‌وگوی ملی صحبت کرد. جالب است

بدانید که همان موقع برخی ما را متهم می‌کردند

که شما تعدادی از طرفداران بشار اسد را در تهران

دورهم جمع کردید. اما واقعا اداره آن جلسه که

حدود ۱۵۰انفر از گروه‌های مختلف سوریه بودند، کار

بسیار دشواری بود. یعنی به معنای واقعی برخی از

آنها از معارضان بودند و برخی دیگر کسانی بودند

که می‌خواستند نسبت به آینده سوریه تصمیم بگیرند

و آن نشست هسته‌ای شد که امروز کشورهایی که به

راهکار ضرورت سیاسی نزدیک شده‌اند مبنای کار ما

مورد توجهشان واقع شد. ما معتقدیم که برای حل

سیاسی مساله سوریه چند پیش‌فرض باید وجود

سیاست

بوسه دردسرساز بر پیشانی هاشمی



عکس امیر جبارجباری، شرق

در لیبی، شاهد این نبودیم که نیروهای خارجی وارد

ماچرا شوند. اما این اتفاق در سوریه رخ داد.

اما راهکار سوریه را سیاسی و صرفاً سیاسی

این راه‌حل سیاسی به نتیجه برسد، شاه‌بیت راه‌حل

سیاسی این است که مردم سوریه خودشان بتوانند

تصمیم بگیرند و سرنوشتشان را انتخاب کنند، نه

در قالب‌های تصنعی، در شرایطی کاملاً طبیعی و

واقعی. برای اینکه مردم بتوانند تصمیم بگیرند، باید

فرصت داشته باشند که به زندگی طبیعی خودشان

برگردند، مردمی که آواره شده‌اند. اگر واقعا به

بنابراین برای برگزاری یک انتخابات دموکراتیک

واقعی در داخل سوریه، اولین شرط این است که

باید امنیت سوریه برگردد. چه‌کسانی به‌دنبال ناامنی

در سوریه هستند و چه عواملی به بازگشت امنیت

در سوریه کمک می‌کند؟ ما در گفت‌وگو با مقامات

عربی و غربی همیشه تاکید داریم که شما نباید

استانداردهای دوگانه را دنبال کنید. اگر واقعا به

راه‌حل سیاسی معتقد هستید روش‌های امنیتی

را تعطیل کنید. نکته اول، اروپا که به‌شدت نگران

بازگشت نیروهای سازماندهی‌شده خود توسط داعش

است، اولین کاری که باید کند

این است که مرزهای خود را

درست کنترل کند. افرادی که از

مرزهای اروپا و آمریکا در کنار

برخی کشورهای عربی، وارد

سوریه می‌شوند، کنترل شوند.

نکته دوم، همسایگان سوریه

به‌جای اینکه برای حفظ آوارگان

در بدترین شرایط هزینه کنند،

مرزهای کشورشان را کنترل کنند

و اجازه ندهند که تروریست‌ها و

سلاح، از مرزهایشان وارد سوریه

شود. نکته سوم، جامعه جهانی

و سازمان‌ملل کمک کنند تا آوارگان به سوریه برگردند.

نکته چهارم، من این را به آقای دمیستورا گفت‌م و دکتر

ظریف هم این را مورد تاکید قرار داده‌اند که نمی‌توانید

نظام سیاسی سوریه را فروپاشید و اوضاع سیاسی

را برهم زنید، آن‌هم در اوضاعی که هیچ آلت‌رناتیو

جدی‌ای به‌عنوان جایگزین بشار اسد از سوی هیچ

طرفی شناسایی نشده است. این را ماایلم به صراحت

بگویم.

س‌و این یکی از علل اصلی کشتارشدن ماجرای

سوریه نیست؟ نبودن هیچ آلت‌رناتیوی به‌جای

بشاراسد؟

اگر کار با روش‌های سیاسی دنبال می‌شد نه با

روش‌های نظامی و امنیتی، ممکن نبود این آلت‌رناتیو

به وجود می‌آمد و سوریه در مسیر طبیعی خودش

قرار می‌گرفت.

س‌پس شاکر می‌کند اگر به‌جای حرکت نظامی

دنبال اصلاحات بودند، وضعیت سوریه امروز

به‌گونه دیگری بود؟

واقعا در مقطعی در ابتدای بحران، دنبال

اصلاحات بودند. ما با مقامات سوریه، بشار اسد

و دیگر مقامات سوریه در سطوح مختلف دیدار

و گفت‌وگو داریم. ما اعتقاد نداریم که در سوریه

دموکراسی و چندحزبی و آزادی مطبوعات حاکم بود.

مشکلاتی در سوریه وجود داشت و اتفاقاً مخالفان

بشار اسد در سوریه، سوار بر موج این مشکلات شدند

که نتوانستند یک انقلاب تصنعی را شروع کنند اما

به دلیل شتابزدگی به‌سرعت حرکتشان تبدیل به

اقدامات مسلحانه شد و نیروهای خارجی وارد شدند.

در هیچ‌یک از انقلاب‌هایی که در سال‌های گذشته در

منطقه رخ داد در لیبی، مصر، تونس، بحرن یا یمن

شاهد این نبودیم که به سرعت مردم تسلیح شوند و

گروه‌های خارجی وارد شوند. اگرچه بیشترین درگیری

نظامی را در لیبی دیدیم اما در دو، سه‌سال اول هم

س‌جایگزین حکومت بشار اسد به‌نظر

جمهوری اسلامی ایران باید دارای چه ویژگی

باشد؟

از نظر ما هر جایگزینی‌ای باید مبنی‌بر رای مردم

باشد، رای واقعی مردم، تأثیرات شگرف آن بر امنیت

منطقه و همسایگان سوریه هم حتماً باید مورد توجه

قرار گیرد.

س‌گفته شده که آقای خالد مشعل قرار است به

تهران سفر کند. زمان این سفر تعیین شده است؟

هنوز زمانی در این رابطه تعیین نشده است.

اما حقیقت این است که حتی در بدترین شرایط

سوریه که برخی از افراد در مجموعه «حماس» نه

«سازمان حماس» ملاحظاتی در مورد سوریه پیدا

کرده بودند، روابط ما با نگاه راهبردی که به موضوع

فلسطین داریم، روابط پایدار و متینی بود. اشخاص و

بخش‌هایی در مورد سوریه ملاحظاتی داشتند و آن

ملاحظات موجب شده بود که قدری ملاحظه با آن

افراد خاص، ایجاد شود و این در مذاکرات اخیر

که در تهران با بخشی از نمایندگان حماس داشتیم،

برطرف شد. اما این به این معنی نیست که روابط ما

با حماس قطع بود.

س‌برخی معتقدند در جریان بحران سوریه

حمایت‌های تهران از حماس کم شده و حتی ارقام

و اعدادی ارایه می‌کنند از حمایت‌های مالی تهران

از حماس کم نشان می‌دهد این حمایت‌های مالی

به صورت رسمی، آیا این‌گونه است؟

ما در حوزه حمایت از مقاومت و فلسطین، تغییری

در رویکردهایمان نداشتیم.

س‌حتی در آن بازه زمانی که ایران بیشتر درگیر

مساله سوریه بود؟

شما باید خروجی و نتیجه کار را ببینید. آنچه در

غزه اتفاق افتاد در جریان جنگ اژدره‌۱۰۷ اخیر نشان

می‌دهد حماس و جهاد اسلامی و گروه‌های مقاومت

در فلسطین، چه جایگاهی داشتند. به صراحت

می‌توانم به شما بگویم که رابطه ما با مقاومت

هیچ‌گاه تضعیف نشد به دلیل رویکرد و راهبردی که

در حمایت از فلسطین دنبال می‌کنیم.

س‌ سوال آخرم این است که بیشتر کشورهایی که

در حوزه مأموریت شما قرار دارند اغلب ملاحظات

ایدئولوژیک و ارزشی برای نظام دارند. آیا رابطه

با این کشورها برای ما در شرایط فعلی، جایگاه و

منافع اقتصادی هم دارد؟

در سیاست خارجی به موازات مباحث ارزشی

این نکته هم مطرح است که اقدامی انجام دهیم که

بتوانیم منافع حداکثری نظام را هم در آن چارچوب

تعریف کنیم؛ یعنی دستیابی به منافع ملی حداکثری

و امنیت ملی حداکثری. در چارچوب منافع، بالاخره

حتی برخی از کشورهایی که در دوران کنار د و

انتقالی هستند هم از همه ابزارها و امکانات، بهره

می‌گیرند. حتی اگر با رویکرد ایدئولوژیک از کشوری

حمایت می‌